روزنامه شرق

پنجشنبه ۱ آبان ۱۳۹۹ • ۵ ربیع‌الاول ۱۴۴۲ • ۲۲ اکتبر ۲۰۲۰

سال هجدهم • شماره ۳۸۴۷ • ۱۲ صفحه • ۵۰۰۰ تومان

گلایه حسن روحانی از حاشیه‌های صورت‌گرفته

دو دست بیشتر نداریم

گروه سیاست: شمشیر تیز برخی نمایندگان مجلس، دولت را نشانه گرفته و «استیضاح حسن روحانی» را چاره مشکلات کشور می‌دانند. مجتبی ذوالنور، رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس، حتی پا را فراتر گذاشته و بعد از اشاره رئیس‌جمهور...

صفحه ۲

روایتی از پرسپولیس در سال‌های گذشته

رویانیان پرسپولیس را زمین زد یا رئیسش؟

گروه ورزش: داستان علاقه محمود احمدی‌نژاد، رئیس سابق دولت، به فوتبال، داستان پیچیده‌ای نیست. او از روزی که انتخاب شد، سعی کرد از هر فرصتی استفاده کند تا ردپایش را در فوتبال ایران به جا بگذارد؛ از دعوت اوو مورالس، رئیس‌جمهور...

صفحه ۱۱

تیترها

سرنوشت مبهم قانون انتخابات

صفحه ۲

روایتی از سرنوشت بی‌سرانجام یک معامله نفتی در زمان پهلوی دوم

صفحه ۵

ترامپ و بایدن بامداد جمعه در آخرین مناظره به مصاف هم می‌روند

دوئل نهایی در تنسی

صفحه ۸

حذف دخالت شورای نگهبان و قوه قضائیه در هیئت نظارت بر رفتار نمایندگان

صفحه ۲

بایدن برگ برنده انتخاباتی اصلاح‌طلبان؟

صفحه ۳

۱۲ سال حبس برای رئیس پیشین هلال احمر

صفحه ۹

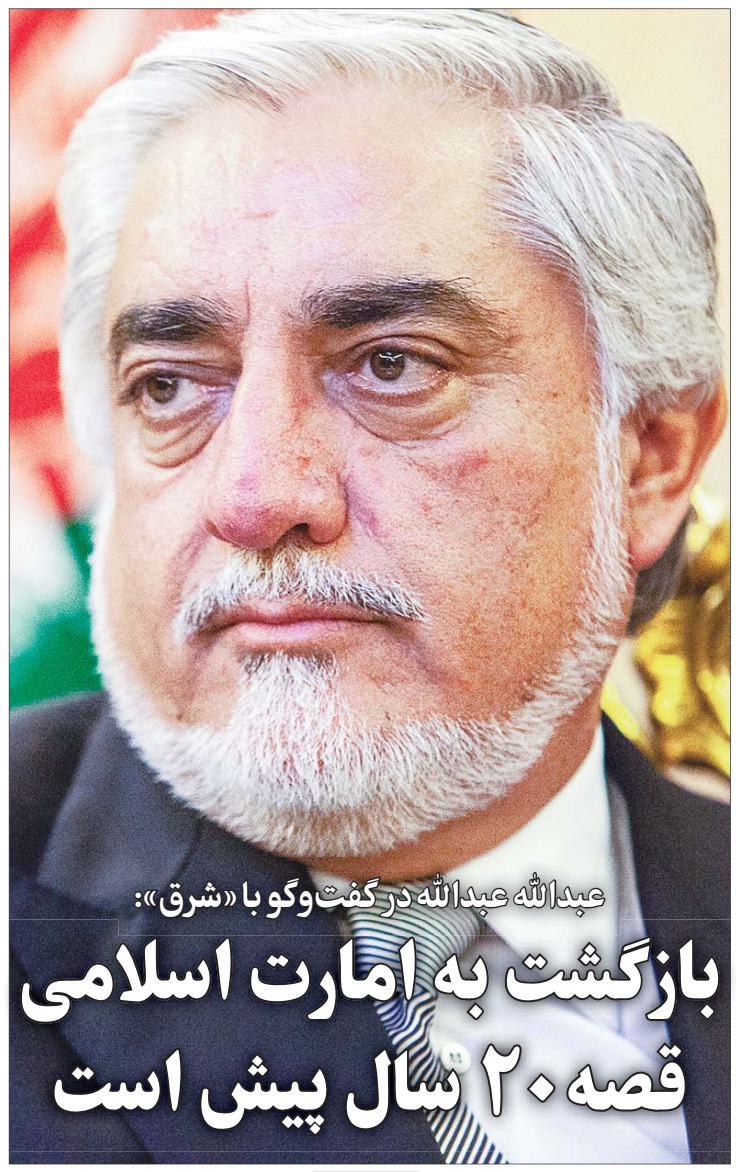

عبدالله عبدالله در گفت‌وگو با «شرق»:

بازگشت به امارت اسلامی قصه ۲۰ سال پیش است

عکس: سهند تاکی، شرق

صفحه ۴

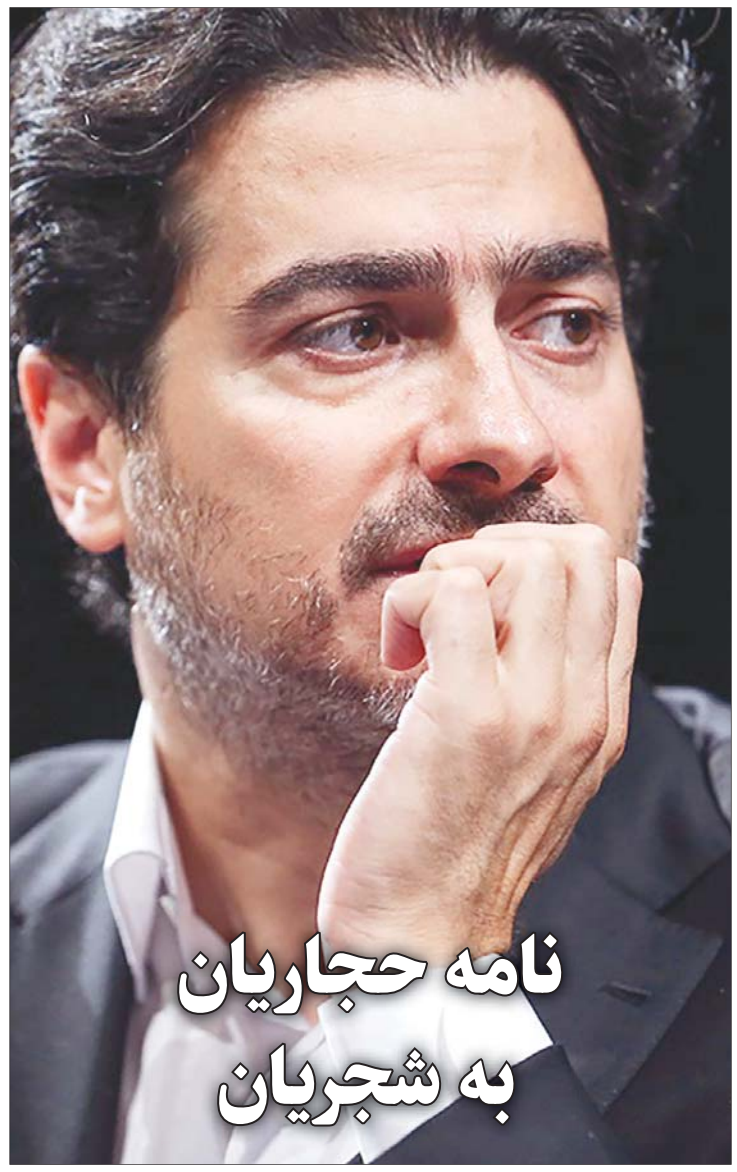

نامه حجاریان به شجریان

عکس: مهدی مریزاد، فارس

چونکه گل بگذشت و گلشن شد خراب
بوی گل را از که یابیم از گلاب
جناب آقای همایون شجریان

درگذشت استاد آواز ایران، محمدرضا شجریان را به شما و خانواده محترم تسلیت می‌گویم. قصد داشتم پس از خاکسپاری آن مرحوم، نکاتی را با شما در میان بگذارم و وظایفی را که به نظرم جامعه هنری ایران از شما انتظار دارد، متذکر شوم.

۱) مرحوم استاد شجریان، زندگی پرباری داشتند. ایشان، اسلاف آواز ایران همچون ظلی، برومند، قمر، تاج، فاخته‌ای، بنان، طاهرزاده و... را از صافی ضمیر خود عبور دادند و سپس، با نوای آهنگ‌سازانی همچون لطفی، مشکاتیان، علیزاده، کلهر و... ممزوج کردند و به این طریق طرفه معجونی به وجود آمد که سال‌های دراز می‌تواند دستمایه آموزش آواز ایران قرار گیرد. بنابراین، اولین انتظاری که از شما می‌رود، این است که با همکاری سایر شاگردان آن مرحوم، ردیف‌های آوازی ایشان را نظم و نسق ببخشید و چنان‌که ایشان خود می‌خواستند، این رویه «شاگردپروری سینه به سینه» را ادامه دهید که این سلسله منقطع نشود.

۲) مرحوم استاد شجریان جایگاهی فراگیر داشتند. افغان‌هایی که با بیدل‌خوانی‌های استاد سرآهنگ مأنوس‌اند، ترک‌هایی که به مکتب شوشا عشق می‌ورزند، کردهایی که با آوازهای رزازی سرمست می‌شوند، عرب‌هایی که با لیلیات شبانه‌های خود را می‌گذارند، جملگی گوهری را در صوت استاد دیدند که با آن احساس یگانگی می‌کنند؛ گویی شجریان نماینده فرهنگی سراسر منطقه ماست. بر این اساس، شناساندن هرچه بیشتر استاد به مردم عادی این کشورها -که اگر رها شوند به سمت موسیقی‌های تُنُک‌مایه روی می‌آورند- شاید وظیفه دیگری باشد که بر عهده شماست.

۳) یکی از کارهایی که شاید در زمان زندگانی استاد باید انجام می‌گرفت و نشد، تهیه مستندی بلند و جامع‌الاطراف از زندگی ایشان بود که من نیز به ایشان پیشنهاد دادم و استقبال هم کردند و کار را به آقای مشکاتیان محول کردند؛ شاهد من هم مژگان خانم هستند. اما نمی‌دانم چرا کار رها شد. اکنون، جای چنین مستندی خالی و ضروری است؛ باید کار را به اهل فن واگذار کرد و «راش»های نادیده زندگی ایشان را به وی سپرد تا چنین کاری صورت بگیرد.

۴) نکته دیگر درباره سبک آوازی شما و مرحوم پدر است. ایشان، تا حد زیادی وفادار به شیوه قدما بود و به همین‌خاطر شاید بعضی از آوازهایشان که طولانی و با مضامین سنگین است، برای جوانان امروز ملال‌آور باشد. اما سبک شما که خود جوانید و با روحیه جوانان آشناتر، با نشاط‌تر و شاداب‌تر به نظر می‌رسد. اگرچه من تمایل بیشتری به کارهای پدر دارم، اما گمان دارم جوانان امروز با شما احساس همبستگی بیشتری می‌کنند. زمانی شنیدم مرحوم پدر درباره سنت‌شکنی‌ها و بی‌پروایی‌های آوازی شما نکاتی را متذکر شده بودند که حکایت از ورودتان به شیوه‌های آوازی متفاوت داشت، اما گمان دارم همین بی‌پروایی‌ها و شادابی‌ها باعث جذب جوانان می‌شود تا بعدها از طریق شما به سنت آواز سنتی ما تمایل پیدا کنند. از این‌رو، گمان دارم ضروری است شما و بعضی شاگردان ایشان همین راه نوآورانه را ادامه دهید و بی‌آنکه از سنت سَلَف تخطی کنید، ابتکاراتی جدید در آثار آینده به وجود آورید. برای مثال، خواندن شاهنامه از سوی شما، کاری بود سترگ که فقط از عهده شما برمی‌آمد و تحسین پدر را نیز برانگیخت.

۵) استاد شجریان در زندگی خود همواره جانب مردم را گرفتند و به این خاطر صدمه‌ها دیدند تا حدی که ممنوع‌الصدا شدند و حتی ربنای‌شان را خاموش کردند. ایشان می‌گفتند «من صدای خس‌وخاشاکم». به گمانم شما نیز به مرور با این مصائب روبه‌رو خواهید شد! با این وصف، اگر همچون پدر عنصر سیاست را نیز به نگاه موسیقیایی‌تان بیفزایید، مسئله دوچندان بغرنج می‌شود! بنابراین باید راه را آهسته و پیوسته طی کرد. چنان‌که می‌دانیم مرحوم استاد در آغاز راه و به دلیل نگاه‌های سنتی حاکم، از نام خود گذشتند! البته زمانه متفاوت شده است و نمی‌گویم به قول شاملو عشق را در پستوی خانه نهان باید کرد... که خود نسبت به ظرایف امر آگاه هستید!

تا به اینجا به خود جرئت داده‌ام و تکالیفی را بر شما بار کرده‌ام، اما مرحوم شجریان توانایی‌هایی دیگر نیز داشتند؛ خطاطی، ساختن ساز و حتی گل‌آرایی که نمی‌دانم آنها را هم بر شما بار کنم یا نه... که شاعر می‌گوید:

بار غم عشق او را گردون نیارد تحمل / چون می‌تواند کشیدن این پیکر لاغر من

ایام به کام.

سرمقاله

روابط چین و آمریکا در صورت انتخاب بایدن

بهزاد شاهنده . استاد دانشگاه تهران

«جو بایدن»، معاون پیشین ریاست‌جمهوری آمریکا، طبق نظرسنجی‌ها از «دونالد ترامپ» جلوتر بوده است (احتمال برنده‌شدن «جو بایدن» در انتخابات ریاست‌جمهوری سوم ماه نوامبر سال ۲۰۲۰، ۱۸ درصد بیشتر از «دونالد ترامپ» است که از سال ۱۹۳۶ چنین فاصله‌ای را دو کاندیدای انتخابات ریاست‌جمهوری نداشته‌اند). در دو هفته مانده به انتخابات در صورت ادامه وضع موجود، او جانشین رئیس‌جمهور «ترامپ» خواهد بود و ما تغییرات عمده‌ای در سیاست‌های آمریکا شاهد خواهیم بود؛ از جمله آنها روابط آمریکا و چین است که در این روزها به «جنگ سرد جدیدی» مبدل شده که هزینه‌های هنگفت و زیان و ضرر صد میلیارددلاری را برای اقتصاد آمریکا و چین به ارمغان آورده است. روابط دو کشور از سال ۱۹۷۹- سال برقراری روابط دیپلماتیک دو کشور- به پایین‌ترین حد خود رسیده است؛ اما مسئله‌ای که در جنگ دوساله تجاری بین آمریکا و چین محرز شده، وابستگی دو کشور به یکدیگر است و مواجهه دو کشور در ادامه حتی می‌تواند به رویارویی بین دو کشور بینجامد (تنش بی‌سابقه در دریای جنوبی چین ازجمله نمودهای آن است). بایدن به این مسئله اشاره داشته که وی ممکن است به جنگ تجاری بین آمریکا و چین پایان دهد؛ زیرا که تعرفه‌های «ترامپ» خود این کشور را متضرر کرده؛ البته با صدمه‌زدن به اقتصاد چین. سیاست ضدچینی «ترامپ» باعث شده رشد اقتصادی آمریکا از ۲/۹ درصد رشد در سال ۲۰۱۸ به ۲/۳ درصد کاهش پیدا کند. دو رقیب انتخاباتی اذعان دارند که ادامه جنگ تجاری، اقتصاد ایالات متحده را به رکود عمیق خواهد کشاند و آن را در ورطه‌ای مشابه رکود اقتصادی و مالی دهه ۳۰ میلادی قرار خواهد داد.در مقابل رکود آمریکا، چین در نیمه اول سال ۲۰۲۰ رشدی بالغ بر ۲/۳ داشته؛ زمانی که در این مدت اقتصاد آمریکا سه درصد انقباض را تجربه کرده است. علت اصلی این وضعیت را می‌توان سیاست‌های ملی و فراگیر در مبارزه با «ویروس کرونا» و ادامه سرمایه‌گذاری در طرح «یک کمربند - یک جاده» دانست. زمانی که آمریکا درگیر مبارزه با «ویروس کرونا» است، هشت میلیون مبتلا دارد و ۲۱۷ هزار نفر از اتباع خود را از دست داده، چین اوضاع را نه‌تنها کنترل کرده؛ بلکه در جشن‌های «دوگانه» چین در ماه اکتبر سال ۲۰۲۰ نشان داده که از کرونا رهایی یافته و صرفا پنج هزار قربانی داده است. در این اعیاد (جشن پاییزه و بزرگداشت هفتادویکمین سال تأسیس جمهوری خلق چین؛ هفته طلایی چین) ۶۳۰ میلیون چینی به سفر رفتند - ۸۰ درصد تعدادی که سال گذشته اقدام به سفر کردند. درآمد بخش توریسم در این مدت ۷۰ درصد سطح سال گذشته بوده و به رقم ۷۰ میلیارد دلار رسیده- زمانی که در دیگر نقاط جهان با تعطیلی این بخش از اقتصاد روبه‌رو هستیم. در هفته طلایی سینما، چین ۵۸۰ میلیارد دلار درآمد داشته است.جنگ تجاری آمریکا و چین که در اصل یک «جنگ تکنولوژیک» برای مهار چین است، نیز نتوانسته با وجود تمام تحریم‌ها، توسعه چین در این حوزه را متوقف کند. برای مثال شرکت غول‌آسای «هواوی» در سال ۲۰۱۹، ۱۳ درصد رشد سرمایه داشته است. دولت واشنگتن درصدد مهار صدمات جنگ تجاری با «بیجینگ» است که بتواند از نابودی متقابل پرهیز کند. معذالک دست‌های خود را برای این کار با ادامه منازعه و احاطه‌شدن به وسیله تیم قوی ضدچینی در کاخ سفید که رئیس‌جمهور «ترامپ» را احاطه و محصور کرده‌اند، عملا بسته‌اند که به دولت فرصت رهاشدن از این منجلاب را نمی‌دهد- در عمل ترامپ به گروگان گرفته شده و واردکردن ضربه به چین حداقل سه برابر به آمریکا لطمه می‌زند.در اینجا باید تاکید شود که «چین‌ستیزی» در آمریکا با بمباران تبلیغات علیه چین به‌ویژه در دو سال اخیر به شکلی نهادینه‌شده درآمده و اکثریت مردم آمریکا نظام چین را خطر اصلی خود تلقی می‌کنند و نسبت به قبل ۷۸ درصد چین را دشمن اول خود می‌دانند، این رقم در سال ۲۰۱۷، ۴۲ درصد بود.

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

تاب‌آوری در محک داوری کرونا

حمید بهلولی

جان فوران کتابی دارد تحت عنوان «مقاومت شکننده» (Fragile Resistance ۱۹۹۳) که به بررسی تحولات اجتماعی ایران در بازه زمانی بلندمدت قرن ۱۶ تا ۲۰ می‌پردازد و اما همه کتاب درباره تاریخ دیالکتیک تحول در ایران را در یک جمله طلایی خلاصه می‌کند که: ایران محل تلاش‌های جسورانه در مسیر تحول است اما هیچ تضمینی برای پیامدها نمی‌دهد. این سخن بیان می‌دارد که ایران‌زمین بستر تحولات جسورانه و تغییر مداوم بدون توجه به پیامدهای سیاست و اقدام بوده است. شاید به همین دلیل است که ما به‌صورت نهادینه‌شده همیشه می‌خواهیم آغازکننده باشیم و کارهای جسورانه بکنیم، اما از سیاست تمام‌کنندگی آغاز خود و آغازهای قبلی خبری نیست. ما معمولا آغازهایی داریم که برای اولین‌بار در جهان بدون تجربه قبلی توسط ابنای بشر بوده است یا حداقل چنین ادعایی برایمان خوشایند است. بزرگ‌ترین‌ها و بهترین‌ها و دست‌نیافتی‌ترین‌ها در سفره آرزوهای ما زیاد پیدا می‌شود؛ همان‌گونه که می‌خواستیم در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ همه ترین‌ها در آسیای جنوب غربی بدون توجه بر روند توسعه کشورهای دیگر و بدون ارتباط منطقی با منابع خودمان و از جمله توان و دانش و سازوکارهای حکمروایی کشور باشیم. ما همیشه به دنیا درس می‌دهیم اما بسیار اندک از دنیا و تجربه‌های بشری درس می‌گیریم. اما شاید این سخن از این منظر که دنیا از ما درس می‌گیرد درست باشد که وقتی پیامد سیاست‌های ما را می‌بیند، می‌داند چه‌کاری نباید بکند یا چه‌کار باید بکند. در شرایط بحران پاندمی کووید ۱۹ هم ما با چشمان خودمان دیدیم که کشورهای موفق و نه لزوما بزرگ و ثروتمند و حتی کشورهای متوسط و کوچکی چون ونزوئلا، کره جنوبی، هنگ‌کنگ، نیجریه و... چگونه عمل کردند و چگونه توانستند با سیاست‌های عاقلانه و درست و با کمترین آسیب از این واقعه یا بگذرند یا در حال عبور باشند، اما ما درس لازم را نگرفتیم و باز خود را بهترین تصور کردیم. کشورهای بزرگ صاحب‌نامی همچون چین و ایتالیا و آلمان نیز با اولین موج شدید کووید ۱۹ مناطق آلوده را قرنطینه کردند و سرچشمه زنجیره انتقال را بستند و حتی ترکیه مرزهای هوایی و زمینی با ایران را بست، اما ما برای چین در اوج آلودگی کریدور ایجاد کردیم. قرنطینه را قرون وسطایی معرفی کردیم. دانشجویان ایرانی برگشتی از ووهان چین و مشکوک به آلودگی را در هتل با سیستم باز و متصل به آب و فاضلاب شهری اسکان دادیم و ده‌ها خطای دیگر که خود مسئولان بهتر می‌دانند، انجام دادیم. آنها مراکز ورود بیماران کووید ۱۹ را از مراکز الکتیو و اورژانس و سرپایی معمول، از ابتدا جدا کردند و ما همه را تا مدت‌ها رها کردیم، آنها تلاش کردند تا امکان انجام تست قابل اعتماد و در کمتر از ۲۴ ساعت را برای تفکیک منبع عفونت مهیا کنند و ما هنوز به این امر توفیق نیافته‌ایم. آنها هر مورد مثبت را به‌عنوان یک منبع پخش عفونت در نظر گرفتند و تماس‌های آن را ردیابی و مدیریت کردند و ما میزان زیادی از مراجعان با علایم کرونا را نسخه‌به‌دست و دنبال دارو در شهرها چرخانیدیم و به منازلشان روانه کردیم و بدون انجام تست آنها را در آمارهای ابتلا وارد نکردیم. آنها با بسیج همه دولت و با نظام فرماندهی مستقر موضوع را دیدند و مدیریت کردند و ما با نگاه بخشی سلامت، بدون داشتن اختیار واقعی به آن نگاه کردیم. آنها اولویت اول را به پیشگیری دادند و ما به درمان. آنها ارتباط اقتصاد و بحران کرونا را عمیقا درک و مداخله کردند و ما این ارتباط و معیشت مردم را جدی نگرفتیم و تمهیدات لازم را برای آن نیندیشیدیم. بسیاری از اینها به این دلیل بود و هست که سیاست‌گذاران ما ابتدا تفاوت بین آرزو و سیاست را عمیقا درک نمی‌کنند و هنوز ارتباط وثیق و تعیین‌کننده مابین سیاست و پیامد و عواقب (policy-outcome-consequence) ناشی از سیاست را به‌صورت جدی متوجه نیستند. در نهایت شاید امروز زمان آن رسیده باشد که سیاست‌گذاران ما به این ارتباط توجه کرده و باور کنند که بین سیاست و پیامد رابطه واضح و غیرقابل چشم‌پوشی وجود دارد و شرایط امروز پاندمی کرونا در مهر ماه ۱۳۹۹ با پیک سوم و مرگ بیش از ۳۰۰ نفر روزانه در گزارش رسمی و جایگاه رو به صعود در پنج کشور اول در مرگ‌ومیر کرونایی با ۸۰ میلیون جمعیت و بالاتر از همه در میان کشورهای منطقه، به سیاست‌های ما، به‌ویژه در چند ماه گذشته و حتی چند سال پیش برمی‌گردد.هفته گذشته در جلسه‌ای درباره سیاست‌های کنترل کووید ۱۹ در کلمبیا با حضور و ارائه سفیر کلمبیا در لندن شرکت داشتم و نکات مهمی از عملکرد آنها در موضوع مدیریت منعطف یا رزیلینسی (با اغماض تاب‌آوری) و تاکید بر رسپانس و کنش به‌موقع و ریکاوری یا بازتوانی اقتصادی به‌وضوح دریافتم و آن چیزی را که دو هفته قبل در تفاوت رزیلینسی (مدیریت منعطف) و رزیستنسی (مقاومت) در وبینار شهرداری تهران در حوزه نظر و تئوری عرض کرده بودم و امروز در حوزه عمل و پراکتیس نتایج مشهود این رویکرد رزیلینسی یا تاب‌آوری را می‌دیدم.

ادامه در صفحه ۳

حرف اول

سیاوش و سودابه

مهدی افشار . پژوهشگر

در دو یادداشت قبلی درباره سیاوش از سری یادداشت‌های شخصیت‌های شاهنامه، از شیفتگی سودابه به سیاوش سخن گفته شد و به آرزویی پرداخته شد که در دل سودابه مانند نهالی پرطراوت ریشه دواند؛ اما سیاوش با همه نوجوانی بنا بر سرشت پاک خویش می‌دانست این نهال که سودابه آن را دارای سرشتی بهاری می‌داند، میوه تلخی دارد، به تلخ‌ناکی کَبَست و اینک ثمر آن درخت: شباهنگام چون کاووس به مشکوی خویش بازگشت، سودابه شادمانه به نزد شوی خویش رفت و مژده داد که سیاوش بیامد و همه سیاه‌چشمان را بدید و از میان آنها، تنها دختر او را برگزید و پسندش آمد. کاووس آن‌چنان شاد شد که گویی ماه از شانه‌اش طلوع کرده است و فرمان داد تا درِ گنج‌خانه را بگشایند و به سودابه هدایای بسیار از دستبند و تاج و انگشتری و پارچه‌های حریر داد و در همان حال سودابه در این اندیشه بود که اگر به وصال سیاوش دست نیابد، سزاوار است که جان از تنش بگسلد و باید به هر افسونی او را به دست آورد و اگر از آرزوی او سر بتابد، آن‌چنان شیونی کند تا از بی‌مهری خویش پشیمان شود.

نگه کرد سودابه خیره بماند/ به اندیشه افسون فراوان بخواند/ که گر او نیاید به فرمان من/ روا دارم ار بگسلد جان من/ بسازم گر او سر بپیچد ز من/ کنم زو فغان بر سر انجمن.

روز دیگر سودابه بر تخت زرین بنشست، خویشتن را بیاراست با گوشواره‌های زیبا و تاجی بر سر که زیبایی او را دوچندان می‌گرداند و سیاوش را به نزد خود فراخواند و گفت کاووس گنجی گران‌بها برای تو در نظر گرفته که چون دختر من را به همسری برگزینی، همه آن هدایا که دویست پیل توان کشیدن آنها را ندارد، به تو تقدیم می‌شود. اکنون در برابر این مهر و دلبستگی که من به تو دارم، چه بهانه‌ای داری که روی می‌گردانی؟ از لحظه‌ای که تو را دیده‌ام، در درونم آتشی برپا شده است که من را می‌سوزاند و روشنای روز در نگاهم شب تیره است. اگر به خواهش من پاسخ گویی، بیش از آنچه شاه تو را هدیه کرده است، تو را هدیه کنم؛ اما اگر از این آرزو که در دل من ریشه دوانیده، سر بپیچی و دلت با من پیوند نگیرد، پادشاهی را بر تو تباه و چهره تو را نزد شاه سیاه خواهم گرداند.

ادامه در صفحه ۲

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
۸۶۰۳۶۱۱۹

ارتباط با روزنامه شرق
SHARGHLINE
@SHARGHDAILY.IR